

١٠٠٢٢٢



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه الهیات

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته الهیات رشته
فلسفه و کلام اسلامی

کارکردهای دین از دیدگاه علامه طباطبائی (ره) و شهید مطهری (ره)

استاد راهنما:

دکتر مجید صادقی

استاد مشاور:

دکتر محمد بیدهندی

پژوهشگر:

هاجر نیلی احمدآبادی

کتابخانه و اسناد مرکز علمی پژوهشی
گروه الهیات

۱۳۸۷ / ۱۵ / ۲۸

اسفندماه ۱۳۸۶

۱۵۰۷۷۲

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه الهیات

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی فلسفه و کلام اسلامی

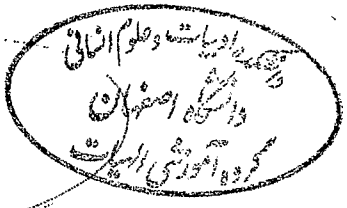
خانم هاجر نیلی احمد آبادی

تحت عنوان

کارکردهای دین از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) و شهید مطهری (ره)

در تاریخ ۸۶/۱۲/۱۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی..... به تصویب نهایی رسید

امضاء	با مرتبه ی علمی استادیار	دکتر مجید صادقی	۱- استاد راهنما پایان نامه
امضاء	با مرتبه ی علمی استادیار	دکتر محمد بید هندی	۲- استاد مشاور پایان نامه
امضاء	با مرتبه ی علمی استادیار	دکتر سید مهدی امامی جمعه	۳- استاد داور داخل گروه
امضاء	با مرتبه ی علمی استادیار	دکتر علی کرباسی زاده	۴- استاد داور خارج از گروه



امضاء مدیر گروه

سپاسگزاری

به حکم وظیفه اخلاقی و انسانی و به عنوان یک سنت حسنه و به مصداق «لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» وظیفه خود می دانم که از پدر بزرگوارم و مادر مهربانم که مشقات زیادی بخصوص در دوران تحصیل متحمل شدند، تشکر و سپاسگزاری نمایم. همچنین از استاد برجسته دانشگاه اصفهان جناب آقای دکتر صادقی که در طی این تحقیق، با توجه به مشغله های فراوان، بنده را در عرصه تفکر و پژوهش صحیح علمی مشتاقانه راهنمایی نمودند ستایش و سپاسگزاری کنم و همچنین از استاد برجسته جناب آقای دکتر بیدهندی که زحمت مطالعه اثر حاضر و ارائه نکات سودمند را بر خویش هموار نمودند کمال منت و سپاس را دارم.

در واقع بررسی «کارکردهای دین از دیدگاه علامه طباطبائی و شهید مطهری» مرهون تشویق و حمایت و هدایت این دو استاد بزرگوار و عالیقدر دانشگاه است و با این همه، کمال این تحقیق وابسته راهنمائیهای آنانست و کاستی ها و لغزشهای احتمالی این اثر مربوط به نگارنده است. سزاوار است در این سطور از کلیه دوستان و صاحب نظران که اینجانب را در به انجام رسانیدن این رساله یاری دادند نهایت سپاس و قدردانی را بنمایم.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید

هم اگر لطف شما پیش نهد گامی چند

تقدیم

بضاعتی ناچیز تقدیم به آستان مقدس مهدوی، ولی الله الاعظم، محور دایره وجود، امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تقدیم به روح پاک خادم اسلام، مفسر کبیر، عارف بزرگوار و فیلسوف قرن، علامه محمدحسین طباطبائی (قدس سره الشریف) و تقدیم به روح بلند و مطهر خادم اسلام، استاد شهید، مرتضی مطهری (قدس سره الشریف) و تقدیم به دو فرشته زندگی ام، پدر بزرگوارم و مادر مهربانم و تقدیم به تازه همسفرم، همسر عزیزم.

«باشد که مقبول افتد»

چکیده:

علامه سید محمد حسین طباطبایی و شهید مطهری دو دانشمند و اسلام شناس مطلع و ژرف نگری هستند که در آثار گرانسنگ خویش بر احیا و رواج تعالیم و باورهای دینی بر اساس منطق و زبان روز تأکید داشته و می‌کوشیدند با توجه به سؤالات پیش رو در حوزه دین توانایی‌های دین را برجسته تر و قاطع تر بنمایانند. آنان با رویکردی میان دینی در جای جای آثار خویش سعی نموده‌اند برکات، مقاصد، فواید و در اصطلاح جدید، کارکردهای دین اسلام را نشان دهند. در نگاه ایشان دین و انسان دو حقیقت متناظر بر هم‌اند و به همین جهت هم «انتظار دین از بشر» و «انتظار بشر از دین» معنا پیدا می‌کند و از اینروست که ساحت‌های فکر و خلق و خو و عمل را مورد توجه جدی قرار داده و با تعالیم خویش تغذیه کردند.

آنچه قسمت عمده کارکردهای دین، خصوصاً کارکردهای اصلی دین را پوشش می‌دهد، راهکارهای معنوی-معرفتی دین است که جوابگوی فکر و اندیشه آدمی و مربوط به اعتقادات اوست. راهکارهایی که بدیلی جز دین ندارند و تحت عنوان غیب مطرح می‌شود که متعلق‌های آن اموری مانند عالم الوهیت (خداوند و ملائکه)، روح و حیات بعد از مرگ است.

کارکردهای اخلاقی نیز جوابگوی ساحت خلق و خوی آدمی است. اخلاق، هم مربوط به فرد است و هم مربوط به اجتماع و اساس آن بر سلامت روان است که تنها از راه اعتدال و توازن میسر می‌گردد و از آنجاییکه سعادت و رستگاری انسان به دست اوست و به خصوصیات اخلاقی وی باز می‌گردد، دین با ارائه راهکارهای اخلاقی از جمله ایثار، تقوی، توکل و اموری از این قبیل انسان را در این مهم یاری می‌رساند و این حاصل نمی‌شود مگر با انجام و تکرار عمل تا به تدریج در نفس آدمی تأثیرگذار باشد.

کارکردهای عملی دین نیز، ناظر بر جنبه عملی و رفتاری آدمی است که در برگیرنده سه بخش عمده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است.

علامه طباطبایی و شهید مطهری «اصل اجتماعی بودن نوع انسان» را واضح و بدیهی می‌دانند و به دنبال آن در آثار خود به راهکارهای دین در این زمینه اشاره می‌کنند.

از عمده کارکردهایی که دین در باب سیاست ارائه می‌دهد پیرامون روابط سیاسی حکومت اسلامی با سایر کشورهای جهان و میزان گسترش و عدم گسترش این روابط است. علاوه بر این، بحث از حکومت اسلامی و ارزش و لزوم تشکیل آن از دیگر مسائل سیاسی است که دین مبین اسلام توجه ویژه‌ای به آن مبذول داشته است و عناصری همچون ایمان، اقتدار و استقامت، عدالت، وفای به عهد و پیمان و اموری از این قبیل را از جمله کارکردهای لازم و اساسی حکومت اسلامی می‌داند.

خواسته‌های اقتصادی انسان، شرط ادامه حیات اوست. راهکارهایی همچون خمس، زکات صدقه نیز از جمله کارکردهای دین محسوب می‌شود. دین هرگونه فعالیت اقتصادی و کار و تلاش را برای دستیابی معاش در چهارچوب قوانین و ضوابط اسلامی جایز و بلکه ممدوح می‌شمارد. آنچه دین اسلام همواره با آن مبارزه کرده، هدف قرار دادن ثروت و پول پرستی است.

واژه‌های کلیدی: خدا، دین، انسان، انتظار، کار کرد، اعتقاد، اخلاق، عمل.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: دین و انسان

۴	۱-۱- معنای شناسی دین
۶	۲-۱- مراد از دین در این رساله دین اسلام است
۹	۳-۱- رویکرد اسلام به دین
۱۰	۱-۳-۱- دین منشأ الهی و حیاتی دارد
۱۱	۲-۳-۱- دین حق، یکی است و تعداد ادیان، عرضی است
۱۴	۳-۳-۱- دین مبتنی بر فطرت است
۱۵	۴-۳-۱- پذیرش دین اجباری نیست
۱۵	۴-۱- معیارهای انسانی بودن یک حقیقت
۱۵	۱-۴-۱- انواع ارتباطات انسان
۱۵	الف- ارتباط انسان با خدا
۱۷	ب- ارتباط انسان با انسان
۱۸	ج- ارتباط انسان با خودش
۱۸	د- ارتباط انسان با طبیعت
۱۹	۲-۴-۱- گرایش ها و اقتضائات انسان
۱۹	۱-۲-۴-۱- حقیقت جویی
۲۰	۲-۲-۴-۱- نیکی طلبی
۲۰	۳-۲-۴-۱- زیبایی دوستی
۲۱	۴-۲-۴-۱- میل به جاودانگی
۲۱	۵-۲-۴-۱- نیاز به کرامت و شرافت
۲۲	۵-۱- اسلام، دین انسانی
۲۲	۱-۵-۱- اسلام، دین فطرت

عنوان

صفحه

۲۴ ۱-۱-۵-۱- اسلام و گرایش انسان به پرستش
۲۵ ۲-۱-۵-۱- اسلام و علم دوستی و تعقل
۲۷ ۳-۱-۵-۱- توجه اسلام به خیر و نیکی
۲۹ ۴-۱-۵-۱- توجه اسلام به زیبایی
۳۱ ۵-۱-۵-۱- اسلام و کمال طلبی انسان
۳۳ ۲-۵-۱- اسلام و جامعیت
۳۴ ۱-۲-۵-۱- اسلام و نیاز انسان به کرامت
۳۵ ۲-۲-۵-۱- اسلام و میل به جاودانگی انسان
۳۶ اشکال بر جاودانگی انسان
۳۷ ۳-۲-۵-۱- اسلام و نیازها و گرایش های مادی انسان
۳۸ ۱-۳-۲-۵-۱- اسلام و نیاز به اجتماع
۳۹ ۲-۳-۲-۵-۱- اسلام و نیاز اقتصادی انسان
۴۰ ۳-۳-۲-۵-۱- اسلام و نیاز جنسی
۴۱ نتیجه گیری
۴۳ پی نوشت ها

فصل دوم: انتظار بشر از دین

۴۶ ۱-۲- طرح مسئله
۴۷ ۱-۱-۲- انتظار دین از بشر
۴۷ ۲-۱-۲- انتظار بشر از دین
۵۱ ۲-۲- فلسفه ارسال رسل و هدف از بعثت انبیاء
۵۲ ۱-۲-۲- دعوت به خداشناسی و خداپرستی
۵۲ ۲-۲-۲- برقراری عدالت اجتماعی و به پاداشتن قسط و عدل
۵۴ ۳-۲-۲- دعوت به مکارم اخلاق و اصول اخلاقی
۵۴ ۴-۲-۲- بکار انداختن نیروی تعقل و تفکر بشر
۵۵ ۵-۲-۲- نیاز بشر به رهبری و مدیریت
۵۶ ۶-۲-۲- آگاه ساختن انسان نسبت به مساله آخرت و هدایت او به نشئه باقی

عنوان

صفحه

.....	۷-۲-۲- مهمترین و اساسی ترین هدف از ارسال رسل و بعثت انبیاء	۵۶
.....	۳-۲- اسلام، دین جاودانه	۵۷
.....	۱-۳-۲- معجزه و اعجاز قرآن	۵۸
.....	۱-۱-۳-۲- معجزه چیست؟	۵۸
.....	۲-۱-۳-۲- اعجاز قرآن	۵۹
.....	۲-۳-۲- خاتمیت	۶۰
.....	۱-۲-۳-۲- معنای خاتم	۶۰
.....	۲-۲-۳-۲- بلوغ اجتماعی بشر، رکن ختم نبوت	۶۰
.....	۳-۲-۳-۲- ختم نبوت در قرآن	۶۱
.....	۳-۳-۲- چگونگی انطباق اصول ثابت اسلام با جهان و نیازهای متغیر آن	۶۳
.....	۱-۳-۳-۲- مقتضیات زمان	۶۳
.....	۲-۳-۳-۲- مکانیزمهای تطبیق اسلام با نیازهای متنوع انسان	۶۵
.....	۱-۲-۳-۳-۲- اجتهاد	۶۵
.....	۲-۲-۳-۳-۲- پذیرش و وارد کران عقل در حریم دین	۶۸
.....	۳-۲-۳-۳-۲- جامعیت	۶۸
.....	۴-۲-۳-۳-۲- وضع قوانین ثابت برای احتیاط است و سایر قوانین متغیر برای احتیاجات متغیر بشر	۶۹
.....	۵-۲-۳-۳-۲- رابطه علی و معلولی احکام اسلام با مصالح و مفاسد واقعی	۶۹
.....	۶-۲-۳-۳-۲- قواعد کنترل کننده در متن مقررات اسلامی	۷۰
.....	۷-۲-۳-۳-۲- اختیار حکومت اسلامی	۷۰
.....	پی‌نوشت‌ها	۷۱

فصل سوم: کارکردهای معنوی - معرفتی دین

.....	مقدمه	۷۳
.....	۱-۳- غیب	۷۴
.....	۱-۱-۳- ایمان، بحث کلیدی غیب	۷۵
.....	۱-۱-۱-۳- آثار و نشانه‌های ایمان	۷۶
.....	الف- یاد خدا	۷۶

۷۶	ب- پشتوانه اخلاق
۷۷	ج- ایجاد آرامش درونی
۷۸	د- خوشبینی به جهان خلقت
۷۸	ه- روشندلی
۷۸	و- امیدواری
۷۸	ز- تایید و تقویت روحیه تحمل پذیری امور نابهنجار و کاهش ناراحتیها
۷۸	ح- رضا و تسلیم
۷۸	ط- تسلط بر نفس
۷۹	ی- یاری رساندن به دیگران
۷۹	ک- ارزش پیدا کردن اعمال
۷۹	ل- سلامت جسم و جان
۷۹	م- انطباق با محیط
۸۰	۳-۱-۲- مصادین غیبت
۸۰	۳-۳-۱-۲-۱- توحید
۸۳	۳-۱-۲-۱-۱- توحید در ذات
۸۴	۳-۱-۲-۱-۲- غنا و بی نیازی ذات حق
۸۴	۳-۱-۲-۱-۳- «احد» نه «واحد»
۸۵	۳-۱-۲-۱-۴- توحید صفاتی
۸۶	۳-۱-۲-۱-۵- توحید در عبادت
۸۷	۳-۱-۲-۱-۶- اسماء الهی
۸۹	اولویت و آخریت و ظاهریت و باطنیت حق تعالی
۹۰	۳-۱-۲-۱-۷- صفات الهی
۹۱	الف- رحمانیت و رحیمیت
۹۱	ب- رزاقیت
۹۳	انطباق روزی و روزی خوار
۹۳	انسان و روزی او
۹۳	ج- قدرت ازلی الهی
۹۴	د- فاطر

عنوان	صفحه
هـ - سمیع و بصیر	۹۴
و- عزیز	۹۴
۳-۱-۲-۲-ارتباط خداوند با جهان و انسان	۹۴
۳-۱-۲-۲-توحید افعالی	۹۵
۳-۱-۲-۲-ملائکه، کارگزاران الهی	۹۵
۳-۱-۲-۳-رابطه انسان با خداوند	۱۰۱
۳-۱-۳-۱-عبادت	۱۰۲
۳-۱-۳-۲-انواع عبادت	۱۰۳
۳-۱-۳-۳-اخلاص در عبادت	۱۰۴
۳-۱-۳-۴-روح عبادت	۱۰۶
۳-۱-۳-۵-قلب عبادت	۱۰۷
۳-۱-۳-۶-کارکرد دنیوی عبادت	۱۰۷
۳-۱-۳-۷-دعا، مصداق عبارت	۱۰۸
دعا، راهی از دل به خالق	۱۰۸
شرایط دعا	۱۰۹
آثار دعا	۱۱۰
۳-۱-۲-۴-سرنوشت پس از مرگ	۱۱۰
۳-۱-۲-۴-۱-روح	۱۱۰
اتحاد روح با بدن	۱۱۳
روح ایمان	۱۱۳
روح قدس	۱۱۳
۳-۱-۲-۴-ماهیت مرگ از دیدگاه قرآن	۱۱۵
توفی کنندگان	۱۱۶
۳-۱-۲-۴-معاد	۱۱۷
معاد و عدل الهی	۱۱۸
عمومیت معاد	۱۱۹
۳-۱-۲-۴-عالم قبر	۱۲۰
۳-۱-۲-۴-۵-برزخ	۱۲۱

۱۲۲	۳-۱-۲-۴-۶-قیامت و حوادث آن
۱۲۳	۳-۱-۲-۴-۷-نسخ صور
۱۲۴	۳-۱-۲-۴-۸-صفات روز قیامت و بطلان اسباب در آن روز
۱۲۴	۳-۱-۲-۴-۹-برطرف شدن حجاب و آشکار شدن پنهان‌ها
۱۲۴	۳-۱-۲-۴-۱۰-برطرف شدن ظلمت
۱۲۵	۳-۱-۲-۴-۱۱-ملحق شدن بدن به نفس
۱۲۵	۳-۱-۲-۴-۱۲-صراط
۱۲۵	۳-۱-۲-۴-۱۳-میزان
۱۲۵	۳-۱-۲-۴-۱۴-نامه اعمال
۱۲۷	۳-۱-۲-۴-۱۵-نظام پاداش و جزا در قیامت
۱۲۸	۳-۱-۲-۴-۱۶-آثار اعتقاد به معاد
۱۲۹	پاسخ به احساس تنهایی
۱۳۲	پی‌نوشت‌ها

فصل چهارم کارکردهای اخلاقی دین

۱۳۹	۴-۱-جایگاه اخلاق در معارف اسلامی
۱۴۰	۴-۲-تعریف اخلاق
۱۴۲	۴-۳-فلسفه اخلاق
۱۴۲	۴-۳-۱-معنای لغوی و اصطلاحی اعتبار
۱۴۳	۴-۳-۲-مفهوم اعتباری از دیدگاه علامه طباطبائی
۱۴۵	۴-۳-۳-اعتبار در فلسفه اسلامی
۱۴۵	دیدگاه علامه در خصوص حسن و قبح
۱۴۷	۴-۳-۴-مفاهیم الزامی
۱۴۹	۴-۴-کلیت قواعد اخلاقی
۱۵۱	۴-۴-۱-دیدگاه شهید مطهری
۱۵۱	۴-۴-۲-فعل اخلاقی
۱۵۲	۴-۴-۱-فعل اخلاقی امر نسبی نیست
۱۵۳	۴-۴-۳-ملاکی دیگر برای ارزیابی کلیت قواعد اخلاقی

عنوان	صفحه
۴-۵- اخلاقیات اجبار بردار نیست	۱۵۴
۴-۶- علم اخلاق.....	۱۵۴
۴-۷- راههای اصلاح اخلاق.....	۱۵۵
۴-۸- آداب غیر از اخلاق است	۱۵۸
۴-۹- برخی از مصادیق و صفات پسندیده اخلاقی.....	۱۵۹
۴-۹-۱- ایثار.....	۱۵۹
۴-۹-۲- تقوی.....	۱۶۰
۴-۹-۲-۱- آثار تقوی.....	۱۶۱
۴-۹-۳- توکل.....	۱۶۲
۴-۹-۴- حسن معاشرت.....	۱۶۳
۴-۹-۵- راستگویی.....	۱۶۳
۴-۹-۶- رضا و تسلیم.....	۱۶۴
۴-۹-۷- زهد.....	۱۶۴
۴-۹-۷-۱- برداشتهای نادرست از زهد.....	۱۶۶
۴-۹-۷-۲- پایه های زهد.....	۱۶۶
۴-۹-۷-۳- فلسفه زهد.....	۱۶۷
الف- ایثار	۱۶۷
ب- همدردی	۱۶۸
ج- آزادی و آزادگی.....	۱۶۸
د- معنویت.....	۱۶۹
۴-۹-۷-۴- تفاوت زهد اسلامی با رهبانیت مسیحی.....	۱۷۰
۴-۹-۸- شکر.....	۱۷۰
۴-۹-۹- صبر.....	۱۷۱
۴-۹-۱۰- فروتنی و تواضع.....	۱۷۱
۴-۹-۱۱- نیکی در مقابل بدی.....	۱۷۲
۴-۹-۱۲- وظیفه شناسی	۱۷۲
۴-۹-۱۲-۱- وظیفه انسان نسبت به پدر و مادر.....	۱۷۳

۱۷۳	۲-۱۲-۹-۴-وظیفه انسان نسبت به خویشاوندان و همسایگان
۱۷۴	۳-۱۲-۹-۴-وظیفه انسان نسبت به مستمندان
۱۷۴	۴-۱۲-۹-۴-وظیفه انسان نسبت به جامعه
۱۷۴	۱۳-۹-۴-وفای به عهده و پیمان
۱۷۵	۱۴-۹-۴-تهمت و افترا
۱۷۵	۱۵-۹-۴-دروغ
۱۷۶	۱۶-۹-۴-غیبت
۱۷۷	پی نوشت‌ها

فصل پنجم: کارکردهای عملی دین

۱۷۸	مقدمه
۱۷۸	۱-۵- کارکردهای اجتماعی دین
۱۷۸	۱-۱-۵- اصل اجتماعی بودن نوع انسان
۱۸۰	۲-۱-۵- دین و اجتماع
۱۸۱	۳-۱-۵- عنایت اسلام بر اجتماع
۱۸۲	۴-۱-۵- ماهیت و سرشت اجتماع
۱۸۵	۵-۱-۵- نظر اسلام در مورد اصالت فرد و اجتماع
۱۸۷	۶-۱-۵- بروز اختلاف در اجتماع
۱۸۷	۷-۱-۵- چاره اختلافات
۱۸۹	۸-۱-۵- مصادیقی از کارکردهای اجتماعی دین
۱۸۹	۱-۸-۱-۵- تبیین قانون و ضمانت اجرایی آن (پلیس و مراقب درونی)
۱۹۱	۲-۸-۱-۵- امر به معروف و نهی از منکر
۱۹۳	۳-۸-۱-۵- تحکیم خانواده
۱۹۵	۴-۸-۱-۵- تعاون
۱۹۵	۵-۸-۱-۵- هجرت
۱۹۶	۶-۸-۱-۵- جهاد
۱۹۷	۷-۸-۱-۵- نماز جمعه و جماعت

عنوان	صفحه
۱-۵-۸-۸-۱- وحدت و وفاق ملی	۱۹۸
۱-۵-۸-۹-۱- عدل و مساوات	۱۹۹
۱-۵-۸-۱۰-۱- عدالت اجتماعی	۲۰۱
۲-۵-۲- کارکردهای سیاسی دین	۲۰۲
۱-۲-۵-۱- حکومت	۲۰۶
۱-۲-۵-۱-۱- لزوم حفظ حکومت اسلامی	۲۰۷
۲-۵-۲-۱-۲- اقتدار ملی، ویژگی اساسی حکومت اسلامی	۲۰۷
۲-۵-۳-۱-۲- رهبری در حکومت اسلامی	۲۰۸
۲-۵-۴-۱-۲- دامنه اختیارات حاکم شرع	۲۰۹
۲-۵-۵-۱-۲- نحوه اداره حکومت اسلامی	۲۱۰
۳-۵-۳- کارکردهای اقتصادی دین	۲۱۳
۱-۳-۵-۱- پیوند اسلام با اقتصاد	۲۱۴
۲-۳-۵-۲- اسلام و ثروت	۲۱۵
۱-۲-۳-۵-۱- ثروت	۲۱۵
۲-۲-۳-۵-۲- عامل تولید کننده ثروت	۲۱۶
۳-۲-۳-۵-۳- نظر اسلام راجع به ثروت	۲۱۶
۳-۳-۵-۳- برخی مباحث و مصادیق کارکردهای اقتصادی دین	۲۲۲
۱-۳-۳-۵-۱- حدود اشتراکیت اقتصادی	۲۲۲
۲-۳-۳-۵-۲- ممنوعیت اسراف و تبذیر	۲۲۳
۳-۳-۳-۵-۳- انفاق	۲۲۴
۴-۳-۳-۵-۴- زکات و خمس	۲۲۶
۵-۳-۳-۵-۵- صدقه	۲۲۷
۶-۳-۳-۵-۶- انفال	۲۲۸
۷-۳-۳-۵-۷- مالیات	۲۲۹
۸-۳-۳-۵-۸- ارث	۲۳۰
۹-۳-۳-۵-۹- قوانین اقتصادی اسلام	۲۳۰

صفحه	عنوان
۲۳۱	معاملات غرری
۲۳۲	ربا
۲۳۲	اقسام ربا
۲۳۳	حکمت حرمت ربا
۲۳۴	آثار و مفسد ربا
۲۳۶	پی‌نوشت‌ها
۲۳۸	نتیجه‌گیری
۲۴۲	منابع و مأخذ

پیشگفتار:

یکی از مسائل و مباحث فلسفه دین و کلام جدید که به عنوان روشی برای پاسخگویی به بحث انتظار بشر از دین مطرح است، مساله کارکردهای دین است. البته برداشتهای گوناگونی از اصطلاح کلام جدید وجود دارد. عده‌ای آن را معادل الهیات جدید می‌دانند و گروهی با جدید نامیدن کلام یا الهیات مخالفت می‌ورزیدند. گروه اخیر معتقدند حادثه‌ای پیش نیامده که ماهیت کلام جدید توسط آن تغییر کرده و نهایتاً دگرگون شده باشد و با توجه به اینکه روشها، موضوعات و اهداف کلام جدید تغییری نکرده و همان روشها، موضوعات و اهداف گذشته است، جدید نامیدن کلام منطقی نیست. اما دیدگاه گروه اول، یعنی دیدگاه افراط جویانه، این است که به دلیل وجود تفاوت فاحشی که میان مسائل، موضوعات و حتی روشهای کلام جدید و قدیم در علم کلام تفاوتی ماهوی و جدید پدید آمده است. بحث کارکردهای دین از نظر اصطلاحی، بحث نویی است اما از نظر معنا و محتوا بی‌سابقه نیست و در کلام سنتی و سخنان و کتب اعتقادی متکلمان گذشته با عنوان فوائد بعثت انبیاء، مقاصد الشریعه، آثار دین، نقش دین، تأثیر آموزه‌های دین در زندگی فردی و اجتماعی و عناوینی از این قبیل مطرح بوده است.

بعد از فروپاشی کلیسای مسیحی در غرب و حاکمیت نگرش جدید، فایده و کارکرد مثبت دین مورد تردید جدی قرار گرفت. اصلاح‌طلبان دینی که پس از آن ظهور کردند حیطه دین را صرفاً در درون آدمی و تحت عنوان «شریعت قلبی» مطرح نمودند و حداکثر کارآمدی آن را در حوزه‌ی ارتباط شخصی انسان با حقیقت قدسی و نوعی تأمین خلاء روحی - روانی دانستند. بنابراین سوالاتی نظیر، «کارکرد یا کارکردهای دین چیست؟»، «آیا کارکرد دین صرفاً تأمین آرامش روحی - روانی است یا در حوزه‌های دیگر نیز کارآمد است؟» به میان آمد.

همچنین با توجه به پیشرفت علوم در قرون معاصر به ویژه در علوم انسانی و اجتماعی، نظیر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی این سوال نیز مطرح است که آیا با این همه رشد، تحول و بالندگی موجود، کارکرد بی‌بدیلی برای دین باقی است؟ و جایگاه و نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی بشر چگونه جایگاهی است؟ برای پاسخگویی به این قبیل سوالات بررسی کارکردهای دین به عنوان مساله جدید کلامی ضرورت پیدا می‌کند.

البته با توجه به دیدگاه افراطی گروهی در مورد نسبت کلام جدید و کلام سنتی که هیچ‌گونه اشتراکی به جز اشتراک لفظی بین آنها قائل نیستند، نمی‌توان این بحث را جزء مسائل جدید کلامی محسوب کرد. در صورتی که طبق دیدگاه اندیشمندانی چون شهید مطهری نسبت به کلام جدید جایگاه بحث کارکردهای دین در همان مسائل جدید کلامی است.

ایشان معتقدند که کلام جدید به عنوان کلامی علمی دو وظیفه دفاع و رد شبهات دینی و بیان یک سلسله تأثیرات برای اصول و فروع اسلام را بر عهده دارد - همان دو موضعی که مورد توجه کلام قدیم نیز بوده است - زیرا در هر زمانی شبهاتی مطرح می‌شود که در گذشته نبوده و اصلاً طرح نشده است. (فرامرزق‌راملکی، ۱۳۸۳: ص ۷۷ و ۷۶ - مطهری، ۱۳۷۸ - پیرامون جمهوری اسلامی: ص ۳۸ و ۳۷)

عنوان کارکردهای دین، صبغه جامعه‌شناسانه نیز دارد و منظور جامعه‌شناسان نیز از مفهوم کارکرد در اصطلاح کارکردگرایی اثری است که پدیده‌های اجتماعی از خود به جای می‌گذارد. چه اینکه کارکرد گرایان معتقدند که این آثار، نتیجه و دستاورد ساخته‌های اجتماعی‌اند اما عده‌ای کارکردها را منتسب به ساختارها می‌دانند، زیرا بر این عقیده‌اند که

نظم و ترتیب اجتماعی که جامعه‌شناس از آن به ساخت تعبیر می‌کند دارای آثاری ناشی از شیوه خاصی از سازمان یافتن این ساختهاست (خسروپناه، ۱۳۸۳: ص ۲۵۵-۲۵۲)

توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که همواره گزاره‌های دینی و کارکردهای آن در زمینه‌های اجتماعی، واضح و آشکار نیستند. بلکه دسته‌ای از آنها به عنوان کارکردهای پنهان محسوب می‌شوند؛ بدین معنا که ممکن است افراد برای عمل خود مقاصدی در نظر بگیرند یا کاری را به قصد خاصی انجام دهند ولی نهایتاً پیامدی در پی داشته باشد که مورد نظر آنان نبوده است. بنابراین برخی کارکردها دارای تزاها و اثرات ناخواسته‌ای خواهند بود که سازنده آن نیز از آن بی-اطلاع است. مانند نهادهایی که به منظور خاصی تأسیس می‌شوند ولی کارکردی از آنها ظاهر می‌گردد که مورد غرض مؤسس آن نبوده است (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ص ۱۴۷) ذکر این نکته ضروری است که در مسائل و مباحث دینی عنایتی ویژه به حسن و قبح اعمال وجود دارد و توجه خاصی به کارکردهایی که نیازهای فردی را تأمین می‌کند یا به تعادل جامعه منتهی می‌شود، وجود دارد اما در کارکرد اجتماعی آنچه حائز اهمیت است کارکردهای نهادهای اجتماعی است به طوری که به مطلق کارکرد توجه داشته و کمتر به حسن و قبح آثار می‌پردازد.

انواع نگرش بر کارکردهای دین

پس از ارائه سه مبحث اساسی پیرامون گزاره‌های دینی به انواع نگرش نسبت به کارکردهای دین می‌پردازیم:

۱- نگرش معرفت‌گرایانه: نگرشی است که به گزاره‌های دین پرسش‌گرایانه یا حق‌جویانه می‌نگرد و درستی و نادرستی آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. پیش فرضی که در این نگرش وجود دارد آن است که باورهای دینی، صدق و کذب بردارند. حال چه مدلول مطابقی آنها باشد و چه مدلول التزامی آنها. مانند گزاره‌هایی که در فقه و اخلاق موجود است. متکلمان، فقها و علمای اخلاق با چنین دیدگاهی به اثبات خداوند خداوند، افعال و مکلفین و اموری از این قبیل می-پردازند. (خسروپناه، ۱۳۸۳: ص ۲۵۴)

۲- نگرش کارکردگرایانه: پیش فرض روش کارکردگرایانه یا پراگماتیستی دینی - که دیدگاه آن درباره علل گرایش به ادیان این است که: انسان اولاً به دلیل احساس نیازی خاص و ثانیاً برای ارضای این نیاز در جستجوی ادیان بوده است. (ملکیان، مصطفی، ۱۳۷۵، اقتراح، نقد و نظر، شماره ۲) - آن است که صدق به معنای مطابقت با واقع نیست، بلکه معنایی جز مصلحت و منفعت‌گرایی ندارد بنابراین افرادی چون فیلسوفان مسیحی که به غیر شناختاری بودن زبان دین گرایش داشتند در اغلب موارد پیرامون کارکردها و آثار دین صحبت کردند و علاوه بر این به خطاپذیری گزاره‌های کتاب مقدس معتقد شدند و نه تنها آن را الهی و آسمانی ندانستند بلکه به بشری بودن آن معترف شدند و به انکار وحی به عنوان گزاره‌هایی که حکایت‌گر واقع هستند، پرداختند.

۳- نگرش کارکردگرایانه: در یک نگرش منصفانه می‌توان بین دو دیدگاه معرفت‌گرایانه و کارکردگرایانه را جمع کرد. لذا برخی روش کارکردگرایانه را مطرح کرده‌اند که با روش کارکردگرایانه متفاوت، لکن با دیدگاه معرفت‌شناسانه بر گزاره‌های دینی قابل جمع است. در این نگرش درستی و نادرستی و به عبارتی حق و باطل بودن گزاره‌های دینی مطرح نیست.

روش کارکردگرایی بر خلاف دیدگاه معرفت‌شناسانه که به صورت واقع‌گرایانه به قضایا و گزاره‌های دینی نظر دارد، جملات دینی را از زوایه عملی و کارکردگرایی مد نظر قرار می‌دهد. گرچه همه متدینان به صدق گزاره‌های دینی معترفند و با یک تلازم منطقی از صدق گزاره‌های دینی به فواید آن پی می‌برند.

در این نگرش، جایگاه دین، اعتقاد و ایمان قلبی به باورهای دینی و کارکرد آن در زندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی انسان بررسی می‌شود، بدین گونه که آیا راهکارهای علوم بشری برای رفع نیازهای انسان در زندگی او با تواناییهای دین در این زمینه برابری می‌کند؟

آیا درست کاری و اخلاق عمل کردن می‌تواند جانشین دین دار بودن باشد بگونه‌ای که دیگر نیازی به دین و کارکردهای آن وجود نداشته باشد؟

در روش کارکردگرایی، به آثار، حسنات، دستورات و خدمات دین توجه می‌شود و از این رو به بررسی و شناختاری بودن زبان دین پرداخته می‌شود و به همین دلیل معتقدان به نظریه واقع‌گرایی و مطابقت با واقع گزاره‌های دینی نیز می‌توانند درباره‌ی کارکردهای دین سخن به میان آورند. همچنین تحلیل روانشناختی و جامعه‌شناختی دین، تاثیرات آن بر حیات بشری و آثار و فواید خداآوری آن نیز انسان را متوجه اهمیت و جایگاه آن می‌سازد. با توجه به نگرش کارکردگرایی به دین می‌توان راهکارهای بسیاری برای نهادهای مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ارائه داد. چنین دیدگاه و رویکردی می‌تواند به یاری مکانیزم‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، انسانها را به سوی خداآوری، رهنمون شود بگونه‌ای که آثار مثبت اعتقاد به خدا و معاد و به عبارت دیگر خداآوری و جاودان طلبی، را در زندگی خود مشاهده کنند.

چنین دیدگاه و رویکردی در کلام جدید و فلسفه دین نیز وجود دارد. چرا که در علم کلام جدید مباحثی چون شناخت انسان و نیازهای او، به خصوص نیازها و گرایشهای دینی و بی‌رقیب و بی‌بدیل بودن دین در رفع این نیاز مقدم است و به جهت نزدیکی مبحث کارکردهای دین به مباحث انسان‌شناسی، این مساله در کلام جدید از اهمیت ویژه و جایگاه خاصی برخوردار است. (همان:ص ۲۵۷)؛ اما در کلام قدیم داستان بگونه دیگری است و مباحث خداشناسی بر مباحث انسان‌شناسی تقدم دارد و بنابراین ابتدا مباحثی چون اثبات وجود خدا و صفات حضرت حق مطرح می‌گردد و پس از آن به موضوع انواع نیازهای انسان و به طور کلی مباحث انسان‌شناسی پرداخته می‌شود. این دیدگاه به دنبال یافتن پاسخ این سوال است که ایمان به گزاره‌های دینی چه تاثیرات مثبت یا منفی بر روش و منش مومنان دارد؟ دین چه نیازهایی از انسان را و تا چه اندازه برآورده می‌سازد؟ خدمات فردی و اجتماعی دین چیست؟ آیا می‌توان با دیدگاهی کاملاً بی‌طرفانه، صفاتی را به دین نسبت داد؟

این پرسشها را می‌توان نسبت به تک تک گزاره‌های دینی مطرح کرد، به عنوان مثال آیا خداآوری در زندگی انسانها تأثیرگذار است؟ اگر تأثیرگذار است مکانیزم این تأثیرگذاری چگونه است و چه آثاری در پی دارد؟

حال پرسش اصلی و اساسی آن است که آیا دین و تدین، اعتقاد و ایمان قلبی به باورهای دینی، می‌تواند جوابگوی نیازهای ابعاد گوناگون زندگی انسان - با توجه به آنکه خود انسان نیز ابعاد مختلفی دارد - باشد؟ به عبارت دیگر دین در کدام یک از ابعاد زندگی انسان جایگاه مشخصی پیدا می‌کند و کارکردها و آثار خود را نشان می‌دهد؟ کارکردهای مادی دارد یا معنوی؟ کارکردهای فردی یا اجتماعی؟ کارکردهای دنیوی دارد یا اخروی؟ و آیا این کارکردها بی‌بدیل‌اند یا